



نوشته و پژوهش
حسین نمازی

سرشناسه:

عنوان و نام‌پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

وضعیت فهرست‌نویسی:

موضوع:

رده‌بندی کنگره:

رده‌بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

نمازی، حسین، ۱۳۲۱ -

آبادیه شهر فرهنگ و ادب / نوشته و پژوهش حسین نمازی

تهران: بهجت، ۱۳۹۲

۳۸۴ ص. نمودار (رنگی)

۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۳-۹۱-۷

فیفا

آبادیه

۱۳۹۱ ن ۳۸ ب / DSR ۲۰۷۱

۹۵۵/۶۳۳۳

۲۹۶۶۸۲۸



انتشارات بهجت

www.behjatpublication.com

info@behjatpublication.com

آبادیه

(شهر فرهنگ و ادب)

نوشته و پژوهش حسین نمازی

چاپ

چاپ اول ۱۳۹۳

شمارگان ۵۰۰ جلد

قیمت ۲۵۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

ISBN: 978-964-2763-91-7

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۳-۹۱-۷

دفتر توزیع و فروش انتشارات بهجت

تهران، خیابان میرزای شیرازی، شماره ۱۶۲

تلفن: ۸۸۸۹۹۹۰۷ - دورنگار ۸۸۹۴۱۱۴۶

انتشارات بهجت

تهران، ولی‌عصر، دوراهی یوسف‌آباد، شماره ۱۹۷۸

تلفن: ۸۸۹۶۷۱۷۶ - دورنگار ۸۸۹۵۷۱۷۶

فهرست مطالب

۲۱	مقدمه
	فصل اول
۲۹	تاریخ آباد
۳۱	ویرانه‌های آباد
۳۱	شهر و شهرک‌های آباد
۳۲	سوابق تاریخ آباد
۳۴	آباد به استناد کتاب‌های تاریخ
۳۷	آباد در ازمه تاریخ
۳۷	آباد در زمان ساسانیان
۳۷	آباد و فتنه افغان
۳۸	آباد و افشاریه
۳۹	آباد و زندیه
۴۴	آباد و قاجاریه
۴۶	آباد و جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸ م. ۱۲۹۳-۱۲۹۸ ه. ش)
۵۲	آباد در دوران پهلوی
۵۶	آباد و انقلاب اسلامی
	فصل دوم
۶۱	موقعیت جغرافیایی آباد
۶۳	جغرافیای طبیعی
۶۶	راه‌ها
۶۷	مسیر حرکت امام رضا (ع)
	فصل سوم
۶۹	جغرافیای اجتماعی آباد
۷۱	خصوصیات مردم آباد
۷۵	پیشرفت آباد
۷۷	وسایل ارتباطی
۷۹	شهرهای تابعه آباد

۷۹	ایزدخواست
۷۹	وجه تسمیه
۸۱	اهمیت این شهر
۸۶	بهمن
۸۶	وجه تسمیه بهمن
۸۸	امامزادگان احمد و جعفر
۸۹	سورمق
۸۹	وجه تسمیه سورمق
۹۰	واقع مکانی سورمق
۹۱	این شهر اماکن باستانی سورمق
۹۲	سجاد
۹۲	وجه تسمیه سجاد
۹۲	بزرگان سجاد
۹۳	بخش مرکزی
۹۳	بیدک
۹۴	حشمتیه
۹۴	مزرعه
۹۵	شورجستان
۹۵	فیروزی
۹۶	دهدق
۹۶	خسرو شیرین، احمدآباد و فتحآباد
۹۷	روستاهای حاشیه شهر که اکنون جزء شهر آبادیه شده است
۹۸	عنایتآباد
۹۸	جنتآباد
۹۹	مرادآباد، قوزیآباد (قاضیآباد)، رحیمآباد
۹۹	سیدان
۹۹	حسینآباد، عشرتآباد و رحمتآباد
۱۰۰	ادریسآباد
۱۰۱	خوانگل
۱۰۲	نصرتآباد
۱۰۲	صادقآباد
۱۰۳	محمودآباد
۱۰۳	عباسآباد
۱۰۳	یوسفآباد، کریمآباد، حسینآباد، دولتآباد و وزیرآباد
۱۰۳	جوادیه (همتآباد قدیم)

۱۰۴	محمدیه (درغوک قدیم)
۱۰۵	عبدا... آباد
۱۰۵	کَنوک
۱۰۵	جزمودق
۱۰۶	مرادآباد، اسدآباد، احمدآباد و علی آباد

فصل چهارم

۱۰۷	جغرافیای اقتصادی آباده
۱۰۹	تأویزی و دامداری
۱۱۱	اوزان قدیم
۱۱۲	انبارگیری
۱۱۳	هراز "Grazi"
۱۱۳	چکی "Chuki"
۱۱۴	طشته "Kashtch"
۱۱۴	بَر "Bor"
۱۱۵	کَلوکِه "Kelokch"

فصل پنجم

۱۱۷	جغرافیای سیاسی آباده
۱۱۹	حکام آباده
۱۲۳	فرمانداران (حکام)
۱۲۶	شهرداری
۱۲۶	فهرست شهرداران
۱۲۹	چند نمونه از بخشنامه‌ها و اعلان‌های انتخاباتی
۱۴۰	آقای حاج دانی رئیس انجمن شهرداری
۱۴۲	ادارات آباده
۱۴۲	احزاب در آباده
۱۴۳	حزب دموکرات
۱۴۳	حزب اخوان المسلمین
۱۴۴	حزب آزادیخواه
۱۴۴	حزب توده
۱۴۵	حزب دموکرات فارس
۱۴۵	حزب عدالت
۱۴۵	نیروی سوم
۱۴۵	حزب ایران
۱۴۵	حزب ناسیونالیست سوسیالیست آریا

۱۴۵	حزب مردم
۱۴۶	حزب ملیون
۱۴۶	حزب ایران نوین
۱۴۶	حزب رستاخیز
۱۴۶	آبادیه و مجلس شورای ملی
۱۵۶	آبادیه و مجلس شورای اسلامی

فصل ششم

۱۵۹	چهره های ماندگار
۱۶۱	چهره های ماندگار
۱۶۲	علاء و فضلاء
۱۶۲	ملا ابوالحسن
۱۶۳	حاج محمد باقر محمد آبادیه ای
۱۶۴	حاج ملا عبدال... شری
۱۶۶	شیخ احمد امام جمعه
۱۶۷	حاج محمد ظهیر الشریع
۱۶۹	برادران ناظم الشریع
۱۶۹	شیخ علی اکبر شریف الواعظین
۱۶۹	شیخ عباس فرخی
۱۷۱	حجت الاسلام محمد مهدی مهندسی
۱۷۳	چهره های فرهنگی
۱۷۳	حاج عبدالرحیم رضانیا
۱۷۴	حاج محمد حسن رضانیا
۱۷۴	خانم مسرت دابی
۱۷۴	خانم قمرالزمان دانش پژوه
۱۷۵	پای صحبت آن بانو
۱۷۷	پزشکان
۱۷۷	دکتر سراج
۱۷۸	برادران آگاه
۱۸۰	دکتر قربان
۱۸۱	برادران دانا
۱۸۶	شخصیت های علمی و دانشگاهی
۱۸۶	مهندس هدایت... فروهر
۱۸۶	دکتر امان... روشن زائر
۱۸۶	دکتر روح... عباسی
۱۸۷	رجال سیاسی و اجتماعی

۱۸۷	حاج علیخان
۱۸۸	تیمسار سرتیپ همت
۱۸۹	محمد رضا امید سالار
۱۸۹	حاج مراد خان صرافیان
۱۹۱	علی اکبر حمزه پور
۱۹۳	هنرمندان
۱۹۴	خانواده ذوالفقرون
۱۹۶	منبت کاران
۱۹۶	نوش نویسان
۱۹۷	ادب شعرا
۱۹۷	سب آبادهای
۱۹۸	حبیب ... زار
۱۹۹	مدد علی ... رفق شخلص به زارع
۲۰۲	حاج آقا بزرگ نادری
۲۰۲	محمد باقر میرزائی
۲۰۴	عبدالحسین بهمنی
۲۰۴	حاج وجیه ... ایزدی
۲۰۵	اباز شهریاری
۲۰۵	مهدی وکیلی
۲۰۶	محمد شهریاری
۲۰۷	غلامعلی توکلی
۲۰۷	خلیل محبی
۲۰۸	بانو مرگان محبی

فصل هفتم

۲۰۹	اوضاع اجتماعی آباده
۲۱۱	اجداد ما
۲۱۳	طوایف آبادهای
۲۱۴	شغل های قدیم آباده
۲۱۵	قالی بافی
۲۱۷	تاریخچه آوردن قالی به آباده
۲۱۸	منبت کاری
۲۲۰	حمامی
۲۲۳	شغل های فراموش شده
۲۲۴	چند داستان
۲۲۴	داستانی در مورد یک سفالگر آبادهای

- داستانی در مورد یک استاد گیوه‌دوز ۲۲۵
داستانی از یکی از مغازه‌داران بازار کهنه آبادیه ۲۲۵

فصل هشتم

- آموزش و پرورش در آبادیه ۲۲۹
تاریخچه آموزش و پرورش آبادیه ۲۳۳
رؤسای آموزش و پرورش آبادیه از ابتدا تا کنون ۲۴۱

فصل نهم

- فولکلور مردم آبادیه ۲۴۳
آداب و رسوم ۲۴۵
مراسم تقد و تحویل ۲۴۸
مراسم مرگ و تدفین ۲۴۸
آتش برگ شب چهارشنبه سال ۲۴۸
آتش اسفندی ۲۵۰
شب چهارشنبه سوری ۲۵۰
آتش کردن روی پشت بام چهارشنبه آتش ماه صفر ۲۵۰
سوم سوزاندن ۲۵۱
سن‌بندی ۲۵۲
نان گذاشتن زیر سر مریض ۲۵۲
آتش پس‌با ۲۵۳
ختم سوره انعام ۲۵۳
سمنو پزان ۲۵۴
برفکی کردن ۲۵۴
آب ریختن پشت سر مسافر ۲۵۴
جارو نکردن خانه پشت سر مسافر ۲۵۵
شب چهارشنبه در حمام داروی نظافت نبردن ۲۵۵
آتش از منزل بیرون بردن در شب چهارشنبه ۲۵۵
نان کلوخی پختن شب عید ۲۵۵
بدرقه و پیشواز زوار ۲۵۶
دست باز ماندن هنگام خواندن صیغه عقد ۲۵۸
تخم مرغ ترکاندن برای چشم زخم ۲۵۸
اسفند دود کردن برای جلوگیری از چشم زخم ۲۵۹
دستگیره کوچک و بزرگ خانه‌ها ۲۵۹
گل پاک‌کن جلو درب خانه‌ها ۲۶۰
سوراخ گربه‌رو خانه‌ها ۲۶۰

۲۶۰	اولین انسان و یا جاننداری که سر راه صبح برخورد می‌کرد
۲۶۱	شب اول چله
۲۶۱	ختنه سیرون (ختنه سوران)
۲۶۳	کلوخ اندازون
۲۶۴	لباس شب عید
۲۶۶	سیزده به در
۲۶۶	زن زانو
۲۶۶	زین شیشه
۲۶۷	زین پستان
۲۶۷	بارو ریاض
۲۶۷	آبلگ بارون
۲۶۷	نماز بزمین
۲۶۸	شله‌زرد
۲۶۸	کاچی حضرت فاطمه (ع)
۲۶۸	سفره حضرت ابوالفضل (ع)
۲۶۸	لقب‌ها
۲۶۹	تکرار بعضی کلمات
۲۷۰	پوشاک و لباس
۲۷۱	وسایل روشنایی و گرمایی
۲۷۲	سرگرمی‌ها
۲۷۲	انواع بازی‌ها
۲۷۳	سر جوی آب رفتن و ...
۲۷۴	شب‌نشینی‌ها
۲۷۶	برنامه‌های ماه مبارک رمضان و ماههای محرم و صفر
۲۷۶	ضرب‌المثل‌ها
۲۸۵	لغات و اصطلاحات محلی

فصل دهم

۲۹۹	استعدادهای بالقوه آباده
۳۰۱	استعدادهای بالقوه آباده
۳۰۲	جوانان
۳۰۳	دانشگاه
۳۰۴	حوزه های علمیه
۳۰۵	آموزش و پرورش
۳۰۷	بخش صنعت و معدن
۳۰۸	شرکت سهامی عام سیمان آباده

۳۰۹	اطلاعاتی از معادن این شهرستان
۳۱۱	بخش کشاورزی
۳۱۴	منابع طبیعی
۳۱۵	میراث فرهنگی
۳۱۶	آب و هوا
۳۱۶	مطالعات علمی
۳۱۸	ویژگی‌های اصلی ناحیه و تأثیر آن در نظام توسعه آنی

فصل یازدهم

۳۲۱	آثار باستانی و اماکن دیدنی آباده
۳۲۳	آرامگاه کنونی
۳۲۷	آثار باستانی اماکن باستانی
۳۲۸	قلعه ایزدست
۳۲۸	سد قوسی ایزدست
۳۲۸	تپه‌ی منسوب به شهر گور در رومق
۳۲۹	خرفخانه‌ها
۳۲۹	قلعه گبری
۳۳۰	کاروانسرای شاه‌عباسی
۳۳۰	خانه شاه اسماعیل
۳۳۰	عمارت‌های کلاه فرنگی
۳۳۱	مسجد جامع و تکیه
۳۳۲	حمام قلعه کهنه
۳۳۳	باغ مندلی خان قشقای
۳۳۳	باغ امیدسالار
۳۳۴	تیمچه صرافیان
۳۳۵	تیمچه بازار نو
۳۳۵	تیمچه معمودی
۳۳۶	حمام بازار
۳۳۶	اماکن متبرکه
۳۳۶	امام زادگان احمد و جعفر بهمن
۳۳۷	امامزاده سید علی ایزدخواست
۳۳۷	امامزاده سید محمد شورجستان
۳۳۸	امام زاده زید ابن علی علیه سلام در محمد آباد سرحد
۳۳۸	خواجه عکاشه
۳۳۹	قلعه‌های آباده
۳۳۹	اولین قلعه

۳۳۹	قلعه کهنه
۳۴۰	قلعه میرینج
۳۴۱	قلعه نارنجی
۳۴۱	قلعه محمد هادی (مندادی)
۳۴۱	قلعه نصر... خان
۳۴۲	قلعه حاج محمد خان
۳۴۲	قلعه حاج علیخان
۳۴۳	قلعه نوی
۳۴۳	قلعه گیسوها
۳۴۳	قلعه روستاها
۳۴۳	کلاسراهای آباده
۳۴۳	کاروانسرای حسین
۳۴۴	کاروانسرای آقا
۳۴۴	کاروانسرای عباس ثانی
۳۴۴	کاروانسرای حاج محمد نسیم حاج
۳۴۴	کاروانسرای رضا حاج حسن
۳۴۵	کاروانسرای اکبر حاج حسن
۳۴۵	کاروانسرای حاج فتح ا...
۳۴۵	کاروانسرای دیگر
۳۴۵	رونقیه
۳۴۶	چپر خانه
۳۴۶	یخچالها
۳۴۹	منابع و نویسندگان
۳۵۱	منابعی که در مورد آباده می توان از آنها استفاده کرد
۳۵۹	منابعی که از آنها برای تهیه این مجموعه استفاده شده
۳۶۳	افرادی که تاکنون درباره آباده شرحی به رشته تحریر درآورده اند
۳۶۳	محمد رضا دایی
۳۶۴	سید عبدالرحیم شریف
۳۶۴	دکتر جمشید صداقت کیش
۳۶۴	عباس داهی
۳۶۴	علیرضا رضانیا
۳۶۵	سعید نیک کار
۳۶۵	ایاز شهریار
۳۶۵	سایرین
۳۶۷	پیوست ها

www.ketab.ir

به نام حضرت دوست

مقدمه

«خدایا! طاعتی از من بپذیرم آنچه را نمی‌توانم تغییر دهم؛ شهادتی تا تغییر دهم آنچه را که می‌توانم بپذیرم تا بدانم تفاوت آن دو را».

می‌خواهم تاریخ را بشناسم. تاریخ شهرمان، زادگاهمان. اذعان دارم، تاریخ را همگان دانند و دسترسی به این همگان آسان نیست. پس دشوار ولی بزرگان تاریخ علم و ادب گفته‌اند:

برای درک زندگی نگاه به گذشته آید... و برای ادامه زندگی نگاه به آینده. هر کسی از هر چه بترسد از آن فرار می‌کند اما اگر خدا بترسد به آن پناه می‌برد. پس با توکل به خدا و امید هدایت و با عنایت از رسول بشیر و ندیم حضرت محمد (ص) شروع می‌کنم.

به حق باید گفت: آنجا که استاد و مدارک نیست تاریخ هم نیست.

و آنچه نگارنده را به جستار یعنی بررسی تاریخ شهرمان و مساز شهر آباده برانگیخت آتش عشقی است که سال‌ها در درونم زبانه کشیده است و پیش درآمد آن نگرانی بوده و هست، اینکه باید آیندگان بدانند ره توشه های پدرانشان، حرارت‌ها، سختی‌ها، شادی‌ها، از خود گذشتگی‌ها و تن به بلا دادن‌ها و...

اگرچه دسترنج دست‌های پینه بسته هنرمندان فقید شهرمان به تاراج رفته، اگرچه از گنبد و منبر کاشی مسجد جامع دیگر اثری در خاطره‌ها نیست، اگرچه بهتر حمام به سبک زندیه با خاک یکسان شد، اگرچه خانه شاه اسماعیل که حدود سیزده سال^۱ محل اسکان شاه در این شهر بوده چیزی به عمرش نمانده. اگرچه بهترین هنر سفالگری،

۱- جبران خلیل جبران

۲- هفت و یازده سال هم ذکر شده است.

چاقوسازی، تنگسازی و خراطی به بایگانی تاریخ پیوسته. اگر چه تخم خربزه عبدا... آباد، هندوانه مرادآباد و انگور تُرد و شیرین و دندان شکن عباس آباد و نجف آباد به همراه کشاورزان باتجربه شان به سرای جاوید سفر کرده و اگر چه شاید جوانان در حفظ چند ستون باقی مانده تکیه (حسینیه مرکزی)، گوشه و کنار قلعه کهنه، اسکلت نیمه جان کلاه فرنگی، چهاردیواری زهوار در رفته قلعه ایزدخواست و چند کا انسرای شاه عباسی و نام و نشان قلعه های آباده بکوشند.

باید آیندگان و مردم بخصوص جوانان امروز بدانند که این دیار زادگاه بزرگانی بوده که برای استواریش فرسنگ ها راه با پای پیاده و با ترس و لرز طی کرده اند. برای اعتلای نامش بزرگ در جنگ ها جلو دشمن سینه سپر می کرده اند. برای آبادیش چه سان به حفر قنات ها دست به خرج داده اند و از همه مهم تر، برای زنده نگه داشتن تمدن دیرینش، فرهنگش را حگرنه به گذاری کردند.

باید بدانند که در سالی های این شهرستان ردپای بزرگانی است که به قرن ها پیش می رسد. آثار تاریخی، قلعه ها و کار انسراها و تیمچه ها همچون پیری خسته و خاموش سرگذشت رنج و آسایش باشگاه این دیار به یاد دارند و به یاد آیندگان می آورد. کوچه پس کوچه های بسیار جالب و تزیینی اش اگر چه اکنون کمتر اثری از آنها به جای مانده، همچون گذرگاه تاریخ جای پای بزرگان علم و ادب و شعرای بنامی است که متأسفانه نگارنده نتوانست از همه آنها در متن یاد کند، ولی خدا را شکر که به عنوان مشتم نمونه خروار موفق به ذکر چندی از چندین شده.

قرن های پیاپی، نوروز، رمضان و محرم و صفر و دیگر ایام و مناسبت های ماندنی با مراسم خاص خودش همراه شادی و غم در خانه ها و مساجد و میخانه ها بر گزار می آید. این ها همگی از میراث های مردمی بود.

گر چه حقیر در عمر خویش ناظر اندکی از هزاران رویدادهای تاریخی و فرهنگی و نکاتی در کتاب ها، دست نوشته ها، سالنامه ها و ... خوانده ام که منابع اطلاعات من است و نکاتی حساس تر نیز از این و آن شنیده ام.

بیش از پنجاه سال است که در هر مجلس و محفلی در مؤانست با هر پیر و جوان حاضر بوده و حاضرین را سؤال پیچ کرده، گفتارشان را به ذهن می سپردم. خدا رحمت کند مادری داشتم فوق العاده بصیر صاحب ذهن و هوش قوی و استعدادی وافر بود که

خیلی چیزها را برایم از گذشتگان شهر تعریف می‌کرد. همیشه قلم و کاغذی در جیب داشتم و از گفته‌ها یادداشت برمی‌داشتم و شب در منزل یادداشت‌ها را با انباشته‌های مغزم روی هم ریخته و در دفتری پاکنویس می‌کردم. هرچند نمی‌دانم آوردن این شنیده‌ها در این مجموعه به عنوان سند تاریخی صحیح است یا نه، ولی با عرض معذرت از کسانی که شاید بر من خرده بگیرند و حمل بر بی‌اطلاعی من کنند می‌نویسم تا دیگران بذل انفی نموده راهنماییم کنند.

این ریخته‌ها مجموعه‌ای است باز، نه فقط به خاطر اینکه تاریخ است و تاریخ همواره در جریان است بلکه معتقدم باید دائم بر آن افزود. در این مختصر حقیر به بخش اندکی از هزاران باب‌ها اشاره می‌کنم. از میلیون‌ها گرمی و عطوفت، از بی‌شمار بزرگان و دل‌سوختگان پرده‌ها را کنار می‌زنم تا شاید سرنخی باشد برای عزیزی که برای هر فراز آن مایل به صرف وقت باشند و به راهنما در زنده کردن گوشه به گوشه آنها کمر هم‌ت برینند، می‌نویسم. هر چند بر من خرده بگیرند. اینها دانسته‌های من است، تو هم ای برادر، خواهر، دانستنی‌هایت را روی کاغذ بیاور. اگر خودت فرصت جمع‌آوری نداری تکه کاغذهایت را در اختیار دیگران بگذار. جمع و کثیر کنند ان شاء الله... به یادگار بماند: (كُلُّ عِلْمٍ كَيْسٌ فِي الْقِرْطَاسِ ضَاع)^۱

خط تو بماند، زیرا خط زبان دست، شانس دل، سیر خرد، جانشین اندیشه، سلاح دانایی و ندیم دل آرام دوستان به وقت جدایی است. جان و روح انسان بر نوشتار تکیه کرده و بدان آرام می‌گیرد.

آلبرت انیشتین می‌گوید، همه روزه صدها بار به یاد خویش می‌آورد که زندگی داخلی و خارجی من متکی به کار و زحمت دیگر مردان چه زنده و چه مرده می‌باشد و من باید خود را به خوبی مثمر ثمر سازم تا به همان اندازه که دریافت داشته‌ام در بخشش بدهم. از گذشتگان بیاموزیم و برای آیندگان به میراث بگذاریم. راه پرخرد گذشتگان را دنبال و تکمیل کنیم و به آیندگان چگونه تکمیل کردن راه و برداشت از فرهنگ منطقه را بنمایانیم و بدانیم مطالعه تاریخ گذشتگان عمر انسان را درست به اندازه عمر آنها طولانی می‌کند چرا که مجموعه تجربیات دوران عمر آنها را در اختیار داریم.

۱- هر علمی که روی کاغذ نیاید نابود شدنی است. مصرع اول از بیت شعری منسوب به حضرت علی (ع)

حضرت علی (ع) به فرزند برومندشان امام حسن مجتبی (ع) فرمودند (نامه دوم نهج البلاغه): فرزندانم، من هر چند عمر پیشینیان را یکجا نداشته‌ام ولی در اعمال آنها نظر افکندم، در اخبارشان اندیشه نمودم و در آثارشان به سیر و سیاحت پرداختم، آنچنان که گویی همچون یکی از آنها شدم. بلکه گویی من به خاطر آنچه از تجربیات تاریخ آنان دریافته‌ام با اولین و آخرین آنها عمر کرده‌ام.

تاریخ آینه‌ایست که تمام قامت جوامع انسانی را در خود منعکس می‌سازد. زشتی‌ها، بایستی‌ها، کامیابی‌ها، ناکامی‌ها، پیروزی‌ها، شکست‌ها و عوامل هر یک از این امور را. میزاد از بدو پیدایی تا کنون نه تنها موضوع سلطه بر طبیعت بیرونی بلکه مسأله انتظام و ترتیب این سلطه را از طریق اشتراک مساعی همواره تجربه کرده است. نتایج این مساعی ان‌سویی در آثار باستانی یعنی اشیاء و ابنیه واقعی و از سوی دیگر در شواهد و مدارک که سینه به سینه یا به طور مصور و بهتر از همه از طریق کتاب به نسل‌های بعد انتقال یافته تصنیف کرده است.

وظیفه تاریخ است که منابع این را به طریق علمی تحت تحقیق قرار دهد. تاریخ باید علم پیشرفت را بدو حال آورد و هر چند که این علم الزاماً مانند فیزیک علمی دقیق و قطعی و یا مانند کالبدشناسی به نزاعی و توصیفی نباشد.

اقوام بدوی و غیر متمدن افسانه‌ها را به هم پیوندند تا بدین وسیله اعمال، منشأ رسوم و شعائر خود، قبیله و جان خود را در حال تصور و برداشت از قبیله و جهان تعیین و تفسیر کنند.

به گفته ویل دورانت، تاریخ هم صفت، هم هنر و هم فلسفه است، صفت است چون حقایق را از غیر آن جدا می‌کند، هنر است چون به مطالب آشتی می‌بخشد و ترتیب می‌دهد، فلسفه است برای اینکه در جستجوی دورنمای آینده و در صدد روشن کردن آن است.

آری انسان برای خلاقیت و دگرگونی محیط خود آفریده شده و این قدرت را دارد که قدرت افزایش‌پذیر خلاقیت فکری و عملی خود را به کار اندازد و در محیط طبیعی و اجتماعی‌اش دگرگونی‌های لازم را به وجود آورد و تازه‌های سودمند بیافریند تا برای زندگی بهتر و انسانی‌تر او دیگر انسان‌ها آماده‌تر شوند.

بدانید: اکنون دانایانی متعهد، پزشکانی انگشت طلایی، مهندسانی مبتکر، شعرائی بنام و دل‌سوختگانی خدایی دستشان را به سوی شما دراز کرده‌اند. آنها را بشناسید و چه

خوب است هم‌سنگر و هم‌رزم علم و هنرشان باشیم و فرهنگ، مجموعه عوامل مادی و معنوی جامعه که از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شود- را زنده کنیم و شهرمان را از خمودی نجات دهیم و در نسل جوان تحرک پدید آوریم ان‌شاء...

سعی کنیم یاد و خاطره معماران علم و ادب و فرهنگ مهجور نماند تا راه رشد فراوان، و رونندگان این راه به رکود نینجامد و بدانیم سلسله طلانی بزرگان از همین راه به دیوان رسیده.

کوه و دایان منطقه را در نوردیم، توان و غنای فرهنگی خودمان را که بحمد... بالقوه بسیار غنی است بالفعل به دنیا عرضه کنیم.

شنیده بودم که قلم شدن و مطلب نوشتن جرأت می‌خواهد. بگویم نه تنها جرأت که شجاعت، موصله، پشتکار، تن به هر بلا و مصیبتی دادن، منتظر شلاق دوست و دشمن را خوردن و بر نمی به زخم تازه پاشیدن و ... می‌خواهد.

ولی نوشتن و منتظر ماندن برادران بهتر از ننوشتن و آسوده به خواب رفتن است، مانند آن پیر فراموش‌کار، در نمی‌گفت که گذشته‌ها گذشته، گذشتگان رفتند و سوار بر اسبان و استران تیزتاکشان نشسته و آن‌ها خبیث هستند و نه از مایملکشان.

یکی پرسش نمود شه ناصرالدین ز میرآخور که کو اسبان پیشین

جوایش داد قربان مردم خویش شنستند و گرفتندی ره خویش

آن هنگام جامعه ما علم را ارج خواهد نهاد که هر کس در راه رسیدن به آن قدمی برداشته، محترم شمارد و به او تاسی جوید، برای زندگی این قائل شده و در ماده و معنی بر آن ارج نهد و او نیز انتقادها و کجی و کاستی‌ها را با دل‌پذیری باشد و در تکمیل و رفع آن بکوشد.

حکته قابل ذکر، در این مجموعه سعی شده خارج از قیل و قال‌ها و حرف‌ها و حدیث‌هایی که در محیط‌های کوچک بوده و هست، از افرادی که به نوعی در زمانه‌هایشان کارساز بوده‌اند ذکری به میان آید، حتی از مسأله ایده و عقیده و ایسم هم در بعضی جاها چشم‌پوشی شده است. نکته‌ای که بدیهی است اینکه هر پژوهشی در تاریخ باید آینه اندیشه‌نمای دانایان باشد، خواه با آرای آنان مخالف باشیم یا موافق. به عبارت دیگر کار مورخ تکیه بر آن است که ماهیت افکار را به درستی بشناسد و بی‌کم و کاست عرضه بدارد.

منت فراوان بر ما از انعام رادمردانی است که ما را در فراهم ساختن وسایل و تهیه لوازم و تسهیل امر و تشریح صدر یاری فرموده‌اند، بخصوص بزرگانی که در پیکرنگاری شاهد شیرین علم تیشه فرهادی دارند و در صناعت علم پیشه استادی و همواره ما را بر این کار بزرگ و مشکل و خطیر تقدیر و تحسین فرموده‌اند.

گو اینکه گذاشتن نام محقق به فردی مانند حقیر جسارت بزرگی است به جامعه محققین ولی استدعا دارم این فراز را از دیدگاه یک محقق بنگرید و خوب می‌دانم اشکال و ایراد است نه فقط از زیر ذره‌بین تیزبینان بلکه هر آشکاراگری نیز اشکالات را به خوبی می‌بیند. از نکته‌سنجی و راهنمایی تک‌تک عزیزانی که برای تکمیل این مجموعه یا هم می‌کنند صمیمانه تشکر می‌کنم.

و اشکالات را همه مهم‌تر بی‌توجهی نسبت به خیلی از بزرگان شهر که متأسفانه موفق به ذکر خیرشان نشدم که شاید بیشتر کم لطفی و قابل ندانستن این حقیر از طرف خود آنها باشد. در ضمن اگر از فردی یا کاری یا بنایی شد که به نظر شما خالی از لطف است و لزومی نداشته، به از دید یک آباده‌ای بنگرید و از انصاف یک میرزابنویس جزء که خواسته از شما کمک و دانش را به بیشتر افراد ادا کرده باشد. نکته دیگر شاید تکرار بعضی قسمت‌ها در جاهای مختلف، که در بعضی مواقع ضروری به نظر می‌رسیده است.

بیاییم ارکان را در نظر بگیریم، سرشناسان را شناسایی کنیم، کارسازان عرصه علم و فرهنگ را پاسداریم. کار بزرگان و خیراندیشان را سرشناسی کنیم.

از دریچه چشم خودبینی خارج شده و جهان بین باشیم

و اما امیدوارم به هدف خود رسیده باشیم که:

بماند آثار گذشتگان

پندی باشد برای حال و آیندگان

راه بلدی باشد برای افرادی که بخواهند در این زمینه قدمی بردارند

زنده باشد نام بزرگانی که در اعتلای این شهر قد علم کرده‌اند

اجر معنوی باشد برای دنیا و آخرت نویسنده.

و با پوزش:

پوزش از استادانی که با بودنشان اسائه ادب کرده و قلم بدست گرفته‌ام.

پوزش از روحانیت. علما، فضلا، رجال سیاسی که موفق به جمع‌آوری اطلاعات از بیوگرافی زندگی‌شان نشدم.

پوزش از سروران گرامی که از معرفی آنها کوتاه و ناچیز قلم رانده‌ام. پوزش از معلمانی که ناخواسته از صفحه ذهنم با سرعت رد شده و یا گذر نکرده‌اند. پوزش از خدمت‌گزارانی که لباس خدمت به هم دیاران خود پوشیده‌اند، ولی موفق به شناساندنشان نشدم.

پوزش از یارانی که در این زمینه یاریم نموده‌اند، ولی از ذکر نامشان قصور ورزیده‌ام. پوزش از خواهران و برادرانی که به حق معلمی کرده‌اند و نام این شهر را در ردیف شهرهای فرهنگی ایران نموده‌اند و چه زیبا بود نامشان زینت بخش صفحات کتاب آباده شود.

و پوزش و تشکر از کلیه سرورانی که این نوشته کمترین را می‌خوانند و در رفع نواقصش مددکارم می‌کنند.

با نهایت فروتنی از پیشقدمی و انشمندان و قلم به دستانی که دلسوزانه خواسته‌اند در زنده کردن نام دیار خوش بکوشند و کثرت خواسته و از اینکه با بضاعت مزجات خود جسارت ورزیده و با چل و چلای این کتاب پا از حد خود فراتر نهادم. استدعا دارد این جسارت را حمل بر برتر بینی ندانند و به چشم یک شاگرد بنگرند که خواسته درس آموخته چندین ساله را پس بدهد آن هم به شاگردی کوشا و زرنگ.

تقاضای عاجزانه دارم از لغزش‌ها و کاستی‌های فراوان چشم‌پوشی ننموده و با ذکر آنها و موضوعات دیگری که به نظرشان می‌رسد در تکمیل این مجموعه قدمی برداشته بذل لطف نمایند و بدان زاویه بنگرند که هستند بسیار افراد که دایما به انجام این خدمت می‌باشند ولی با ترس از قلم و قدم کم ارزش خود مانند این‌ها می‌باشند که دل به دریا زده و پای در گود می‌نهد و سینه را برای سپر انتقادات گسترده می‌دارند و بیستند و این لطف شماس است که دیگران را نیز به وجد می‌آورد.

در پایان تشکر و سپاس دارم از عزیزان و یاران همراه، از جناب مهندس محمد حسن فرخی که در تهیه و بازنگاری و روشن‌سازی نقشه‌ها و همچنین تهیه عکس‌ها و بخصوص طرح جلد کتاب کمال لطف را نمودند، نیز از جناب آقای دکتر علی‌رضا خان‌جان و همسر گرامی ایشان که ویراستاری ادبی کتاب و آوانگاری کلمات را

عهده‌دار شدند و در این مسیر به حق لطف وافر و سرمایه وقت مبذول داشتند، همچنین از همسر و فرزندان عزیزم که بر تصحیح متون و تنظیم فصول کتاب همت گماشته و سعی بسیار نمودند، از جناب محمد علی بهجت مدیر محترم انتشارات بهجت که به عنوان یک همشهری عامل تشویق و ترغیب اینجانب و راهنمایی در مورد تهیه و چگونگی تنظیم مطالب بودند و برای چاپ آن نیز از هر جهت کمال همکاری را داشتند و نیز از همه دوستانی که در تهیه مطالب کتاب همکاری نمودند.

حسین نمازی

خرداد ماه ۱۳۹۱

www.ketab.ir